یادداشت روز

گزینه اصلی زیر میز است!

آمریکایی‌ها می‌گویند سه گزینه روی میز مذاکرات است و جمهوری اسلامی باید یکی از آنها را انتخاب کند؛ ۱- توافق؛ که با توجه به محتوا و ابعاد فعلی آن، چیزی بیش از یک کلاه گشاد و بی انتها نیست! ۲- تشدید تحریم‌ها ۳- گزینه نظامی.

نگاهی دقیق به فعل و انفعالات محیطی نشان می دهد آنچه روی میز در جریان است، چیزی جز یک نمایش تردستانه برای پنهان کردن بازی مرموز زیر میز نیست. گزینه‌های روی میز آمریکایی‌ها از دو حال خارج نیستند. گزینه اول فرعی است و دو گزینه دیگر کارت‌های سوخته و بی ارزش. گزینه واقعی و اصلی آمریکا که از قضا زیر میز قرار دارد و صحنه سازی‌های روی میز برای پوشاندن آن است، چیزی نیست جز؛ «Regime Change From Within» یا همان «تغییر رژیم از درون». این موضوع جای تحلیل و بررسی بسیار دارد و در این مجال به برخی از ابعاد و نشانه‌های آن می‌پردازیم.

«رژیم» در ادبیات سیاسی واشنگتن، یک عبارت کنایی است که به «آرایش‌های سیاسی نامطلوب» اطلاق می شود. تعریف مبسوط یک رژیم از منظر واشنگتن «مجموعه‌ای حاکم از قوانین، هنجارها و ارزشهاست که رفتارها را تنظیم و کنترل می‌کند» و این مجموعه در تضاد با منافع و تعاریف آمریکا تعریف می شود.

این گزینه درباره جمهوری اسلامی ایران یک گزینه تازه تلقی نمی شود و اگر بخواهیم دقیق بگوییم، عمری به اندازه عمر جمهوری اسلامی دارد. عبارت «تغییر رژیم از درون» تا سال ۲۰۰۳ تقریبا در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای آمریکا دیده نمی شود و نخستین استفاده از آن به سال ۲۰۰۳ باز می‌گردد. زمانی که دولت آمریکا به سردمداری جرج بوش افغانستان را اشغال، به عراق حمله کرده و زمزمه‌هایی مبنی بر تدارک حمله به ایران نیز به گوش می‌رسید. در این زمان اغلب کارشناسان و تحلیلگران آمریکایی به کاخ‌سفید درباره نتایج چنین حماقتی هشدار داده و ایران را لقمه‌ای بزرگتر از دهان آمریکا می‌دانند و گزینه «تغییر رژیم از درون» را به جای گزینه نظامی ارائه می‌کنند. تکرار این مفهوم در ۵ سال اخیر رشدی تصاعدی و انفجاری داشته است.

تحقیقات نشان می‌دهد تا سال ۲۰۱۴ میلادی، ۸۲ مورد مطالعه و تحقیق مستقل درباره «تغییر رژیم از درون» در کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و ژورنال‌های علمی به چشم می‌خورد و نکته جالب آنکه بیش از دو سوم این تحقیقات و تالیفات درباره ایران بوده است! «ایوان ساشا شیهان» از محققان دانشگاه بالتیمور یکی از اصلی‌ترین نظریه پردازان در این زمینه است که سخنرانی، یادداشت و تالیفات مختلفی درباره این موضوع داشته و ارتباط تنگاتنگی با مراکز سیاسی و تصمیم سازی در آمریکا نیز دارد. شیهان در یکی از تحقیقات منتشر شده خود در این زمینه می‌نویسد؛ «برخی شاید معتقد باشند «تغییر رژیم از درون» یک مفهوم صرفاً ذهنی است که برای تشویق مخالفان و اپوزیسیون داخلی کاربرد دارد اما اینگونه نیست.» این همان چیزی است که ما را به آن متهم می‌کنند؛ توهم توطئه!

وی در ادامه به بررسی این مفهوم پرداخته و معتقد است؛ تحریم‌هایی که از ابتدای انقلاب سال ۱۹۷۹ علیه ایران وضع شد، اگر چه با عنوان «مهار» جمهوری اسلامی مطرح می شد اما ماهیتاً کارکردی جز تغییر از درون نداشت.

تحریم های واشنگتن علیه ایران بطور کلی به سه بهانه انجام شده است؛ حمایت از تروریسم، حقوق بشر و فعالیت‌های هسته‌ای. آمریکا مدعی است این تحریم‌ها برای تغییر رفتار ایران در حوزه‌های مورد اشاره وضع شده است اما جان بولتون -سیاستمدار آمریکایی که به واسطه سیاست‌های ضد ایرانی‌اش مشهور است- در مصاحبه ای با فایننشال تایمز در سال ۲۰۰۶ پرده از واقعیت تحریم‌ها برمی‌دارد و می‌گوید؛ «تغییر رژیم «هدف نهایی» از سیاست تحریم‌ها بود. سیاست تحریم، ایران را از داخل تحت فشار قرار داده و به نیروهای دموکراتیک کمک می‌کند.»

در موردی دیگر می‌توان به مقدمه طرح تحریم‌های نفتی -به عنوان یکی از سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ- اشاره کرد. در این پیش‌نویس آمده است؛ هدف از تحریم‌ها حرکت ایران به سوی انتخاب دولتی آزاد و دموکراتیک است!

گزینه واقعی آمریکایی‌ها نه یک مفهوم تئوریک که یک دستور عملیاتی در حوزه سیاست خارجی است و شامل گزینه‌های متنوعی می‌شود؛ از فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغی گرفته تا کمک‌های مخفیانه به اپوزیسیون داخل کشور و فراری‌ها.

کاندولیزا رایس -وزیر خارجه وقت آمریکا- در سال ۲۰۰۶ از کنگره تقاضای ۸۵ میلیون دلار برای کمک به مخالفان جمهوری اسلامی می‌کند و در توضیح این درخواست می‌گوید؛ «این پول صرف حمایت از آرمان‌های مردم ایران برای آزادی و دموکراسی خواهد شد.» کنگره با اختصاص ۷۵ میلیون دلار موافقت می‌کند. در پایان سال مالی ۲۰۰۶ اعلام می‌شود کل این بودجه خرج شده و بطور سر بسته اعلام می‌شود این بودجه صرف کمک به رسانه‌های فارسی‌زبان، گروه‌های طرفدار دموکراسی در ایران و کمک به دانشجویان ایرانی در آمریکا شده است!

اوایل دسامبر ۲۰۱۲ ـ آذر ماه ۱۳۹۱ - در محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب این احتمال مطرح شده بود که ممکن است ایران برای اعتمادسازی، غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم را متوقف کند و غرب در قبال آن برخی از تحریم‌ها را لغو کند. در پی این احتمال، دیوید فروم، یکی از نظریه‌پردازان نزدیک به کاخ‌سفید طی مقاله‌ای در سایت CNN نوشت؛ «اگر پرونده هسته‌ای ایران به نقطه پایان برسد، غرب برای حفظ پرستیژ بین‌المللی خود چاره‌ای جز لغو برخی از تحریم‌ها ندارد و حال آن که تحریم‌ها با دو هدف پلکانی تعریف شده‌اند. اول تغییر رفتار سیاسی ایران - BEHAVIOR - و دوم تغییر ساختار - STRUCTURE - نظام.»

از منظر آمریکایی‌ها این تغییر می‌تواند در سه قالب محقق شود؛ انقلاب، کودتا و اصلاحات و از همین منظر است که طیف‌های متنوعی زیر «چتر» این گزینه قرار گرفته و مورد حمایت واقع می‌شوند؛ از گروهک منافقین که برای تغییر جمهوری اسلامی دست به اسلحه برده و ترور می‌کنند تا برخی اصلاح طلبان داخلی که مدعی کار در چارچوب قانون اساسی فعلی هستند. نمود بارز این گردهمایی زیر یک چتر را می توان در فتنه سال ۸۸ دید که «همه احزاب و گروه‌های ضدانقلاب در داخل و خارج کشور» زیر چتر فتنه جمع شدند.

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سخنرانی جنجالی و البته نمایشی اخیر خود در کنگره آمریکا به موضوع حساس و قابل تاملی اشاره کرد که اغلب رسانه‌ها توجه چندانی به آن نکردند. نتانیاهو گفت؛ آمریکا به دنبال توافقی ۱۰ ساله با ایران است اما من فکر نمی‌کنم که جمهوری اسلامی بعد از این مدت رژیم بهتری باشد!

این نکته سربسته با توجه به موارد فوق گویای واقعیت‌های بسیاری است. این اعتراف نشان می‌دهد آمریکایی‌ها به این توافق نه به عنوان یک قرارداد مرسوم و دو طرفه، بلکه به عنوان ابزاری در جهت اجرایی کردن گزینه اصلی و البته زیرمیز خود نگاه می‌کنند.

محمد صرفی

دستاورد نشست اصحاب فتنه در کرمان

اصلاح‌طلبان با مشت و لگد به سوال یک منتقد پاسخ دادند!

گردهمایی اصلاح‌طلبان استان کرمان با حاشیه‌های قابل توجهی از جمله ضرب‌وشتم یک فرد معترض به فتنه تا تلاش برای جلوگیری از تصویربرداری و گرفتن ضبط‌صوت خبرنگاران تا لغو سخنرانی مرعشی همراه بود.

به گزارش فارس، گردهمایی اصلاح‌طلبان استان کرمان با عنوان «اسفند تا اسفند» عصر پنج‌شنبه در حالی در خانه شهر کرمان برگزار شد که با حاشیه‌های قابل توجهی همراه بود. در این نشست زمانی که سید عبدالواحد موسوی‌لاری وزیر کشور دولت اصلاحات درباره ویژگی‌های اصلاح‌طلبان گفت: اگر عنوان اصلاح‌طلبی را پذیرا شدیم به معنای شکستن ساختارهای نظام نیست و اصلاح‌طلب ساختارشکن نیست، یکی از حضار در جواب این سخنان گفت؛ پس چه کسانی بودند که فتنه را ایجاد کردند؟!

در این هنگام یکی از اصلاح‌طلبان که پشت سر این فرد نشسته بود از جای برخاست و از پشت سر به وی حمله کرد و او را مورد ضرب و شتم قرار داد و در ادامه چند نفر دیگر از اصلاح‌طلبان نیز به کمک آمده و این فرد را مورد ضرب و شتم و مشت و لگد قرار دادند و سپس وی را در حالی که شعار مرگ بر فتنه‌گر سر می‌داد، کشان‌کشان به خارج از تالار خانه شهر کرمان بردند!

گفتنی است در زمان حادثه، اصلاح طلبان با قرار گرفتن جلوی دوربین عکاسان مانع عکسبرداری از این صحنه‌های زشت و زننده شدند و سعی در کتمان واقعیت داشتند.

جالب اینکه موسوی‌لاری در ادامه سخنان خود بدون اشاره به ضرب و شتم صورت گرفته در همایش، گفت: اصلاحات یعنی روش‌هایی که برای رسیدن به اخلاق مورد نظر و مطلوب به‌کار می‌گیریم. آستانه تحمل را باید بالا ببریم و طرف مقابل را هم تحمل کنیم. اصلاح‌طلب باید از افراط، تفریط و پرخاشگری اجتناب کند و جریان اصلاح‌طلبی باید مراقب باشد مسیر درست در جامعه مسیر عاری از خشونت باشد!!

وقتی صحبت‌های موسوی لاری تمام شد همه حضار نشستند که به نظر می‌رسید منتظر صحبت‌های سید حسین مرعشی از سران اصلاحات بودند که مجری بلافاصله و به سرعت ختم جلسه را اعلام کرد!

این در حالی است که مرعشی در پاسخ به این سؤال که آیا سخنرانی شما در این همایش لغو شد، گفت: برنامه سخنرانی برای من در این همایش پیش‌بینی نشده بود! وی ادامه داد: توصیه من این است که همه از خشونت دوری کنند و در ضمن کسی هم جلسه مردم را به‌هم نزند، زیرا خدا را خوش نمی‌آید!

اندیشکده واشنگتن:

سلاح‌های پیشرفته ایران قادر به هرگونه واکنشی در خلیج فارس است

اندیشکده واشنگتن در تحلیلی نوشت: ایران در حال تفهیم این مهم به واشنگتن است که غرب توانایی به خطر انداختن امنیت این کشور را ندارد.

اندیشکده آمریکایی «واشنگتن» طی گزارشی تحلیلی در زمینه دلایل برگزاری رزمایش دریایی اخیر ایران در خلیج فارس نوشت: منفجر کردن ماکتی از ناو هواپیمابر آمریکا در خلیج فارس نشان از عزم ایران در نمایش قدرت طی مذاکرات هسته‌ای آتی و تلنگری بر وضعیت بازار جهانی نفت است.

بنابر این گزارش، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۵ فوریه رزمایش دریایی به نام «پیامبر اعظم (ص) را در تنگه هرمز برپا کرد و طی آن به ماکت یک ناو هواپیمابر آمریکایی در نزدیکی جزیره «لارک» حمله کرد. هدف ایران نمایش قدرت آتش در آبراهی که نقش راهبردی و روحی، روانی در جهان سیاست و بازارهای جهانی نفت دارد آن است که به عنوان قدرت نظامی برتر در این منطقه شناخته شود و در این مسیر هیچ مخفی کاری نمی‌کنند. باید گفت که در واقع نمایش «قدرت نظامی اول بودن در خلیج فارس» از دهه ۷۰ میلادی به این سو در امیال ایران وجود داشت.

این اندیشکده آمریکایی در بخشی دیگر از این گزارش تحلیلی با اشاره بر دیگر جنبه‌های برگزاری این رزمایش در برهه کنونی نوشت: در مرکز تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران هنوز حفظ آرمان‌های عقیدتی، انقلابی جا دارد که متمرکز بر مغلوب کردن «شیطان بزرگ» و تفهیم این موضوع به متحدان آمریکا مبنی بر این است که واشنگتن قادر در به خطر انداختن امنیت کشورشان نیست.

به گزارش فارس اندیشکده واشنگتن در خاتمه و طی نتیجه‌گیری تاکید کرد: ایران دارای زرادخانه‌ای از سلاح‌های پیشرفته مناسب برای نبردهای نامتقارن بوده و قابلیت استفاده از آن‌ها را در بخش تهاجمی و دفاعی دارد و می‌تواند بطور قابل توجهی به‌طور کامل یا موقت مسیر کشتیرانی در تنگه هرمز را مسدود کند هرچند که این امر خطر مقابله با آمریکا و دیگر کشورهای غربی را در بر دارد و البته در صورت وقوع درگیری دسترسی ایران را به بازارهای نفتی جهان نیز مختل خواهد کرد.

نیویورک تایمز:

راهبرد آمریکا در عراق به‌شدت به ایران وابسته است

یک روزنامه آمریکایی نوشت که راهبرد آمریکا در مبارزه با داعش در عراق به‌شدت به ایران وابسته شده است.

روزنامه نیویورک تایمز، در حالی که باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا تحت فشار سیاسی از سوی جمهوری‌خواهان در مذاکرات هسته‌ای با ایران قرار گرفته، به نظر می‌رسد که تناقضی شکل گرفته است: آقای اوباما به‌شدت به نیروهای ایرانی وابسته شده تا از پیشروی نیروهای داعش در عراق و سوریه جلوگیری کند.

در چهارمین روز از وقتی که نیروهای ایرانی به ۳۰هزار نیروی عراقی پیوسته‌اند تا شهر تکریت را از کنترل شبه‌نظامیان داعش خارج کنند، مقام‌های آمریکایی اعلام کرده‌اند که واشنگتن در حال هماهنگی با ایران برای مقابله با دشمن مشترک نیست.

در نتیجه، بسیاری از کارشناسان امنیت ملی بر این باورند که مشارکت ایران به عراقی‌ها کمک کرده است تا جلوی پیشروی نیروهای داعش را در شرایطی بگیرند که مشاوران نظامی آمریکا، مأموریت آموزش نیروهای عراقی را به پایان برده‌اند.

به گزارش تسنیم «ولی نصر» مشاور ویژه سابق اوباما و عضو مؤسسه مطالعات بین الملل در دانشگاه جانز هاپکینز تأکید کرد: تنها راهی که دولت اوباما می‌تواند راهبرد خود در عراق را دنبال کند، این است که تصور کند ایرانی‌ها بخش زیادی از کارها را انجام داده و در درگیری‌های زمینی به پیروزی برسند. راهبرد آمریکا در عراق بیشتر به‌خاطر تلاش‌های ایران، موفقیت آمیز بوده است.

این ایران بود که با سازماندهی نیروهای مبارز شیعه در اوت گذشته توانست شهر آمرلی را از تصرف داعش خارج کند. این نیروی قدس ایران بود که مبارزان شیعه عراق و نیروهای امنیتی این کشور را در ماه نوامبر گذشته حمایت کرد تا شهر بیجی را از اشغال داعش، آزاد کنند.

ولی راهبرد آمریکا در عراق می‌تواند از تلاش ایران در بازپس‌گیری تکریت از داعش، سود ببرد، حتی اگر به‌طور مستقیم در این عملیات حضور نداشته باشد. مارتین دمپسی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا روز سه‌شنبه گذشته پیش از شرکت در نشست کمیته خدمات مسلح سنا تأکید کرد که مشارکت نیروهای شیعه مورد حمایت ایران در تکریت می‌تواند «چیز خوبی» باشد.

خبر ویژه

بلا نسبت خودم
مراقب سیاستمداران دونبش باشید !

اختلافات میان اصلاح‌طلبان و حزب تازه تأسیس و اصلاح‌طلب ندای ایرانیان این بار حمله احمد پورنجاتی را به صادق خرازی موجب شد.

به گزارش تابناک پورنجاتی در نوشته‌ای کنایه‌آمیز علیه صادق خرازی و خطاب به اصلاح‌طلبان جوان عضو حزب ندای ایرانیان، ضمن اینکه از آنان خواست مواظب ابتلا به سیاستمداری دو نبش باشند و گرفتار زکام سیاسی نشوند، نوشت: ششدانگ حواستان را متوجه زیر پاها و زیر بغل‌هاتان کنید که مبادا دچار «پوست خربزه و پیزر و هندوانه»ی اهدایی از سوی از ما بهتران شوید. نعوذبالله! یا از رفتن به چاه به کلی منصرف شوید، یا دستکم از آویزان شدن به طناب هفت رنگ اما شیت و پیت شده برخی خالی بندان سیاسی، بپرهیزید.

پورنجاتی و برخی مدعیان اصلاح‌طلبی پیش از این با تمسخر «ندا»، آن را «نساء» خوانده بودند. جالب اینکه خود پورنجاتی در معلق‌زنی و رفتارهای زیگزاگ سیاسی، چهره شناخته شده‌ای است و احتمالاً نوشته وی نوعی حدیث نفس بوده تا تلاش برای تسویه حساب طیفی از اصلاح‌طلبان با طیف دیگر.

روایت افراطیون از شائبه‌انگیزی ائتلاف با مدعیان اصولگرایی

آشفتگی مزمن در افراطیون حزب مشارکت، آنها را به نقیض‌گویی سوق داده است.

علی شکوری‌راد در مصاحبه با روزنامه شرق از یک سو می‌گوید ائتلاف با «اصولگرایان معتدل» برای مردم گیج‌کننده است و از طرف دیگر تصریح کرده که همین کار بدون اعلام در گذشته انجام شده است.

عضو حزب منحله مشارکت در پاسخ این سؤال که آیا اصلاح‌طلبان برنامه‌ای برای

ائتلاف با اصولگرایان میانه‌رو دارند؟ می‌گوید: ما نیازی به این ائتلاف نداریم. بعضی از ائتلاف‌ها ممکن است که برای مردم گیج‌کننده یا موجب شائبه درباره ما شود. ما نباید کاری کنیم که مردم گیج شوند. ما نیازی به آن ائتلاف نداریم.

وی در عین حال می‌افزاید: این ائتلاف به طور نانوشته به وجود می‌آید. بالاخره این ائتلاف در شخص رئیس‌جمهوری صورت گرفته است. ما بر سر آقای روحانی ائتلاف نانوشته‌ای کردیم. نه ما رفتیم با آقای روحانی صحبت کنیم، نه شرط و بیعت کردیم؛ نه با هم قراری گذاشتیم. ما به این جمع‌بندی رسیدیم که به نفع اصلاحات است که از آقای روحانی حمایت کنیم، در حالی که آقای عارف هم بودند. در آن طرف عده‌ای از اصولگراها از آقای روحانی حمایت کردند. هیچ کدام با همدیگر صحبت نکرده بودیم. هیچ قراری نه اصلاح‌طلب‌ها با روحانی و نه حتی اصولگراها با روحانی نگذاشته بودند.

این اظهارات از چند جهت قابل تامل است. نخست اینکه اگر ائتلاف‌های متناقض- مانند ائتلاف افراطیون ساختارشکن با چند مدعی اصولگرایی- نزد مردم «گیج‌کننده» و «شائبه برانگیز» است که قطعا همین طور است، پس چرا چنین ائتلافی به طور نانوشته به وجود می‌آید؟ چه چیزی مانع می‌شود نتوان ائتلاف را علنا اعلام کرد اما در خفا اعمال کرد؟ آیا غیر از این است که این کار «غش در معامله با مردم» و «تلبیس» و «فریب» است و اگر چنین است پس چرا نظیر چنین رفتارهای گیج‌کننده و دارای شائبه به شکل پنهانکاری در سال ۷۶ با ائتلاف مدعیان چپ و سوپرراست‌های کارگزاران اتفاق افتاد و در واقع جریان موسوم به چپ با زدن راهنمای چپ و تظاهر به اعتراض نسبت به سیاست‌های کارگزاران با قیافه اپوزیسیون دولت وقت (کارگزاران- هاشمی) به میدان انتخابات آمد حال آن که ۶ ماه قبل از دوم خرداد ۷۶ به ائتلاف پنهان با جریان حاکم بر دولت رسیده بود؟ یا مثلا چه اتفاقی افتاد که ۲ سال بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۷۶، افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی از هاشمی رفسنجانی «عالیجناب سرخ‌پوش قتل‌های زنجیره‌ای» ساختند ولی در سال ۸۴ مدعی شدند هاشمی اسطوره اصلاحات است و باید به وی رای داد؟ همین رفتارهای مذبذب سال ۸۸ نیز تکرار شد و سوپرراست‌های کارگزارانی، دور میرحسین موسوی را گرفتند که با ژست عدالت‌خواهی نخست‌وزیر دهه ۶۰ به میدان آمده بود.

نکته دوم ادعای دروغین بی‌نیازی به ائتلاف با کسانی چون ناطق‌نوری و روحانی و هاشمی است. افراطیون مدعی حزب مشارکت در حالی که به وقت خود با هر یک از این اشخاص تسویه حساب کرده‌اند اما چون زندگی طفیلی دارند مجبور به اویزان شدن از آنها و نظایر آنها شده‌اند؛ چنان که پس از دستمالی کردن حیثیت خاتمی، شعار عبور از وی سر داده و او را اردک لنگ و شاه‌سلطان حسین صفوی و کسی که گروه خونی‌اش به گروه خونی حزب مشارکت نمی‌خورد، خواندند.

در اثبات این نیاز همین بس که افراطیون مدعی اصلاحات در نظرسنجی‌های ۴-۳ روز آخر خود به این نتیجه رسیدند که عارف به عنوان نزدیک‌ترین فرد به آنها بیش از ۸-۷ درصد رای ندارد و بنابراین از روحانی که تصریح می‌کردند اصلاح‌طلب نیستند، حمایت کردند حال آن که اگر خودرأیی داشتند عارف را که از پایه‌گذاران حزب مشارکت بود، مجبور به انصراف نمی‌کردند، یا او را اصلاح‌طلب بدلی نمی‌خواندند.

یادآور می‌شود همزمان با اظهارات شکوری، خیرالله ناصری عضو سازمان منحله مجاهدین(انقلاب) در مصاحبه با فرارو گفت: می‌توان پیش‌بینی کرد که اعتدالیون و اصلاح‌طلبان در این انتخابات نیز مانند انتخابات ریاست جمهوری به یک ائتلاف نانوشته برسند زیرا در این شرایط ضروری است که افرادی به مجلس بروند که منافع ملی را به منافع جناحی و گروهی ترجیح می‌دهند. در میان جریان اصولگرا نیز چنین افرادی - مانند مطهری و ناطق نوری - وجود دارند.

آزادسازی تکریت تحقیر آمریکا توسط ملت عراق است

رسانه‌های غربی از نقش موثر ایران در عملیات آزادسازی تکریت و بی‌اعتنایی ملت و ارتش عراق به آمریکا ابراز نگرانی می‌کنند.

رویترز در تحلیلی نوشت: شاهدان می‌گویند ژنرال قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران نظارت بر بخشی از عملیات تکریت را برعهده دارد.

به گزارش خبرگزاری رویترز از بغداد، هزاران سرباز و نیروهای مردمی در عراق بزرگترین تهاجم علیه عناصر تروریستی داعش را در تکریت و شهرهای عراق دنبال می‌کنند.

حضور قاسم سلیمانی در خط مقدم جبهه مبارزه با داعش در تکریت، موید نفوذ ایران بر نیروهای شیعه عراقی است، نیروهایی که برای جلوگیری از تحرکات تروریست‌ها در عراق، نقش کلیدی ایفا کرده‌اند. در مقام مقایسه، ائتلاف هوایی ضد داعش به رهبری آمریکا هنوز نقشی در عملیات تکریت ایفا نکرده و شاید دلیل آن تا حدی نقش ایران در این عملیات باشد. سلیمانی هدایت عملیات جبهه شرقی را از روستایی در ۵۵ کیلومتری تکریت برعهده دارد. دو رهبر شبه نظامی عراقی به نام‌های ابومهدی المهندس رهبر گروه حشد الشعبی و هادی الامیری رهبر گروه بدر، سلیمانی را در عملیات تکریت همراهی می‌کنند.

همزمان فارین پالیسی در گزارشی با تاکید بر اینکه آمریکا نفوذی در عراق ندارد، نوشت: نیروهای امنیتی عراق با حمایت شبه نظامیان شیعه، قبایل سنی، جنگجویان کرد و مشاوران ایرانی عملیاتی را برای بازپس‌گیری شهر تکریت از داعش برگزار کردند. طبق گزارش‌های منتشر شده، نیروهای زمینی در این عملیات توسط جت‌های جنگنده عراقی حمایت شدند. جالب توجه است که به گفته وزارت دفاع آمریکا، ائتلاف تحت رهبری این کشور علیه داعش در عملیات تکریت هیچ نقشی نداشته است. عدم حضور این ائتلاف در عملیات تکریت نشان دهنده نفوذ اندک آمریکا در این جبهه جنگ آشفته است.

به گفته یک مقام آمریکایی برگزاری عملیات برای مرکز فرماندهی در پنتاگون، تعجب‌آور بود. این مقام آمریکایی همچنین به نفوذ ایران در این عملیات اشاره کرد. قاسم سلیمانی در این عملیات حضور داشت، نقش سلیمانی و گروه شبه نظامی شیعه داوطلبان مردمی در بازپس‌گرفتن شهر تکریت، زادگاه صدام حسین، مسئله‌ای‌ست که برخی مقامات آمریکایی را نگران کرده است.

فارین پالیسی از قول کلنل استیو وارن سخنگوی پنتاگون نوشت: «عراقی‌ها حمایت نیروهای هوایی را در این عملیات خواستار نشدند و از این رو ما نیز در عملیات تکریت مداخله نکردیم.

مسئله مربوط به تمامیت ارضی عراق است؛ کشوری که دولتی مستقل دارد. این دولت عراق است که تصمیم می‌گیرد در چه زمینه‌هایی نیازمند همکاری است.»

اینکه واشنگتن در عملیات تکریت حضور و نفوذی نداشت احتمالا از خشم مقامات عراقی از افشای برنامه حساس برای بازپس‌گیری موصل توسط مقامات مقر فرماندهی آمریکا (سنتکام)، ناشی شده است. سنتکام ابتدا پیش‌بینی کرد عملیات برای بازپس‌گیری موصل از داعش در ماه آوریل و یا ماه مه صورت گیرد و این مسئله نشان دهنده این بود که مقامات عراقی کنترل عملیات را در دست ندارند و همین بغداد را خشمگین کرد.

بی‌برنامگی اقتصادی اعتبار دولت را به چالش می‌کشد

یک عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید بی‌برنامگی اقتصادی پس از ۱۸ ماه همچنان چالش مهم دولت است.

فرشاد مومنی می‌گوید: برنامه زاییده خیال‌پردازی نیست بلکه راه نیل به یک هدف با استفاده از ابزارهای موجود است، آن چیزی که آنها (دولتی‌ها) در بهترین حالت دارا هستند یک‌سری سناریوهایی است که احتمالا در ذهن برخی از کارگزاران اقتصادی وجود دارد. این سناریوها که وجه اعظم آن هم غیرمکتوب است و در دل خود دولت هم در این مورد یک اجماع اجمالی بین‌الاذهانی ایجاد نشده نمی‌توان برنامه خواند.

وی در مصاحبه با روزنامه آرمان تصریح کرد: باید مشوقانه به آنها گوشزد کرد که به تجربه ۱۸ ماهه گذشته خود بنگرند تا اشتباهات گذشته را تکرار نکنند بلکه آنها را دعوت می‌کنم تا از اشتباهات گذشته درس بگیرند نه اینکه آنها را با شدت کمتری انجام دهند. مثال بارز این مسئله ماجرای یارانه‌هاست چه در جریان مبارزات انتخاباتی و چه پس از انتخاب تیم اقتصادی هم از ناحیه سخنگوی محترم دولت و هم از ناحیه اعضای تیم اقتصادی دولت اعم از مسئولان و مشاوران ادعا می‌شد که برای یارانه‌ها برنامه داریم اما آنچه مشاهده می‌شد این بود که عزیزان تصورات پرداخته نشده ذهنی خود را برنامه تلقی می‌کردند.

این اقتصاددان با هزینه‌دار خواندن رفتارهای فاقد برنامه و اطلاعات گفت: کسانی که روی صندلی‌های رسمی قرار می‌گیرند و از موضع رسمی صحبت می‌کنند نباید جایگاه شخصی خودشان را با جایگاه نهادیشان که همان کرسی‌های دولتی است خلط کنند و از موضع شخصی مطالبی را بیان کنند. افراد خاص ممکن است که در زمینه‌های خاصی اطلاعاتی داشته باشند و طبق اینها ادعاهایی بکنند، اما وقتی از موضع مقام مسئول همچنین حرف‌هایی می‌زنند و بعدا مشخص می‌شود که اینها مابه‌ازای عینی ندارند، این بیش از آنکه به وجه شخصی مسئله اصابت کند به وجه نهادی مسئله که همان دولت است اصابت می‌کند یعنی این سخنان اعتبار نهاد دولت را به چالش می‌کشد و اگر دولت ما به عنوان یک نهاد اعتبار و اعتماد عمومی خودش را از دست دهد هزینه‌های اداره کشور بسیار سنگین خواهد بود پس دولتمردان را دعوت به واقع‌نگری می‌کنم.

مومنی با بیان اینکه دولتیان باید فرق سناریو را با برنامه درک کنند، می‌افزاید: مشکلی را که در لایحه سند بودجه می‌بینیم این است که با کمال تاسف در سال ۹۴ بر اساس تمهیداتی که در لایحه بودجه قابل مشاهده است، قرار نیست تغییرات مثبت محسوسی در اقتصاد کشور اتفاق بیفتد. آنچه برای سال آینده می‌توان پیش‌بینی کرد، این است که ما همچنان فاقد رشد با کیفیت به عنوان رشد متکی بر بخش‌های مولد خواهیم بود.

این اقتصاددان با فاقد کیفیت خواندن رشد اقتصادی مورد ادعای دولت می‌گوید: بر اساس تمهیداتی که در لایحه بودجه قابل مشاهده است، قرار نیست تغییرات مثبت محسوسی در اقتصاد کشور اتفاق بیفتد. آنچه برای سال آینده می‌توان پیش‌بینی کرد این است که فاقد رشد با کیفیت، به عنوان رشد متکی بر بخش‌های مولد خواهیم بود. رشدهای حاصله نیز بیشتر جنبه صوری داشته و ناظر بر تغییرات غیرموثر در بهبود وضعیت کلی اقتصاد با خصلت پایداری خواهد بود. مانند آنچه امسال اتفاق افتاد و ۴ درصد رشد اقتصادی برای ۶ ماهه اول امسال اعلام شد که احتمالا برای کل سال ۲ درصد خواهد بود. اگرچه در محاسبات آماری واقعا این رشد اتفاق افتاده، اما رشد باکیفیتی که مبتنی بر افزایش تولید و رونق بنگاه‌های تولیدی باشد، نبوده و بیشتر به رشد نقدینگی دلالت داشته است.

فرشاد مومنی در زمینه ارائه راه حل می‌گوید: در چنین شرایطی به نظر می‌رسد روش اصلی آن چیزی است که در مرکز پژوهش‌های مجلس هنگام بررسی لایحه بودجه سال ۹۴ به جمع‌بندی رسید و منتشر شد. به نظر من پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس یک راه حل مقطعی اصولی به نظر می‌رسد و آن هم عبارت از این است که بودجه سال ۱۳۹۴ بر اساس کمترین برآوردها از چشم‌انداز درآمد نفت در سال آینده تدوین شود اما به صورت مشروط و مبتنی بر برنامه به دولت اجازه داده شود که این انعطاف را داشته باشد که به صورت پسینی یعنی پس از تحقق دریافت بیشتر ارز به واسطه افزایش قیمت نفت در قالب چند سناریو بر حسب اولویت‌هایی که مجلس تعیین می‌کند آن اضافه درآمدها را هزینه کند. به گمان من خطوط کلی چنین راه حلی به شکل قابل قبولی در مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه شده و انتشار عمومی پیدا کرده است.

گفت و شنود

پنج‌شنبه

گفت: روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارنوت» هشدار داده است که نیروهای مقاومت خود را برای حمله نهایی به اسرائیل آماده می‌کنند.

گفتم: چه روزهای خوبی خواهد بود، آن روزها که انتقام خون‌های به ناحق ریخته مردم مظلوم و مخصوصا کودکان بی‌گناه از رژیم صهیونیستی که جرثومه فساد و تباهی است گرفته شود.

گفت: این روزنامه نوشته است، مسلمانان ساکن فلسطین هم رژیم اسرائیل را رو به نابودی تلقی کرده و بر مخالفت‌ها و تظاهرات خود افزوده‌اند.

گفتم: حالا منظورش از این هشدارها چیست؟!

گفت: می‌خواهد به نیروهای مقاومت بگوید که رژیم صهیونیستی هنوز آنقدر ضعیف نشده که با یک حمله از بین برود!

گفتم: الاغ پیری را در کوهستان رها کرده بودند. شیری آمد و کنار او نشست. الاغ گفت؛ اگر به فکر مردن من هستی، من تا چهارشنبه نمی‌میرم و شیر با خونسردی گفت؛ اشکالی نداره! من تا پنج‌شنبه بیکارم!

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* ایام نوروز امسال مصادف با شهادت حضرت زهرا(علیهما السلام) می‌باشد. ما همگی نمک خورده سفره احسان فاطمی(س) هستیم. پس ضرورت دارد همه حرمت نگه داریم تا عنایت خدا و اولیاءاش همیشه شامل حال این ملت باشد.

روشن و ۰۹۱۲---۰۱۴۵

* آیا تیم مذاکره کننده هسته‌ای ما از خیمه شب بازی نخست وزیر رژیم جعلی و اوبامای مکار که دستشان در یک کاسه است مطلع‌اند؟ آیا می‌دانند که خواسته هر دو یکی است؟

روشنایی

* دلیل اینکه آمریکایی‌ها وقتی کم می‌آورند شعار می‌دهند تمام گزینه‌ها روی میز است ولی بعد هیچ غلطی نمی‌کنند این است که در ایران گزینه خرد کردن دهان و قطع کردن دست متجاوزان همیشه روی میز است.

۰۹۱۶---۱۱۰۸۷

* یک سال و اندی است به طرف آمریکایی لبخند می‌زنیم و پیاده روی می‌کنیم ولی این قلدر کوتاه نمی‌آید و تحریم‌ها را لغو نمی‌کند. آیا نباید در تصورات اولیه‌مان تجدید نظر کنیم؟

۰۹۱۲---۳۱۰۴

* هر وقت که بعضی از مسئولان کشور را در حال دست دادن با دست نجس جان‌کری آمریکایی از تلویزیون مشاهده می‌کنم احساس ناراحتی می‌کنم امیدواریم به رغم همه این عقب‌نشینی‌ها از مواضع انقلابی خود نتیجه مذاکرات به نفع نظام و کشور تمام بشود.

۰۹۱۱---۳۹۵۹

* به دولت عرض می‌کنم از این دو سال مذاکره با شیطان بزرگ و قدم زدن‌های پی در پی با وزیر خارجه آن چه چیزی غیر از وعده‌های پوچ عاید ما «بیسوادها و بی‌شناسنامه‌ها» و... ها شده است؟

۰۹۱۲---۹۵۵۱

* در جواب صحبت